



محمد معماری - تبریز

دین سیاسی و سیاست دینی

شاه‌رگ حیاتی هر نظام سیاسی به حساب می‌آید، چرا که مقبولیت و مشروعیت هر ساختار سیاسی در سایه تأمین هرچه بیشتر نیازها و خواست‌های مجموعه تحت حاکمیت خود می‌باشد. علاوه بر این نکته مهم دیگری نیز که باید در این راستا مورد توجه قرار داد این است که نمی‌توان هیچ حکومت سیاسی پایداری را مثال زد که از اصل 'تأمین منافع' در عرصه سیاسی خود عدول کرده ولی قادر به ادامه حیات سیاسی خود بوده باشد. بنابراین 'تأمین منافع' محوریت و مرکزیت تمامی ساختارهای سیاسی در همه ممالک و با هر نوع نگرش حکومتی را تشکیل می‌دهد و همه مناسبات و کنش‌های مجموعه حکومت نیز بر پایه حفظ و تحکیم این اصل بنیادین شکل می‌گیرد.

محور اساسی و حائز اهمیت دیگری را که در حوزه سیاست باید بدان

پرداخت بحث نسبی بودن و تحت الشعاع عنصر زمان قرار داشتن تعاملات سیاسی است. بدین معنی که در سیاست‌گذاری‌های نهادهای حکومتی، مد نظر قرار دادن مقتضیات زمان جز لاینفک تفکرات سیاسی محسوب می‌شود و چون اقتضاعات و منافع هر قومی معمولاً در طول گذر زمان دستخوش تغییر و تحولات می‌شود پس به نسبت این تغییرات نوع افکار سیاسی و تصمیم‌گیری‌ها نیز دچار دگرگونی می‌گردند و چه بسیار مشاهده شده که در یک فاصله زمانی محدود رفتارهای گاه متناقضی در ارتباط با یک مسأله واحد اتخاذ شده که در بررسی علل این رفتارها تغییر یافتن مصالح و منافع درگیر با آن مسأله را که در طول گذر زمان پدید آمده است را به عنوان توجیه کننده مسأله می‌پذیریم.

پس از بررسی مختصر دو پارامتر مهم گسترده سیاست به آنالیزی اجمالی از حیثه مذهب می‌پردازیم. همان‌گونه که در بررسی و مطالعه سیر حرکتی انسان از اول خلقت او می‌توانیم مشاهده کنیم یکی از مسائل اساسی

با نگاهی اجمالی به بحث دین و سیاست در خواهیم یافت که به ازای زمانهای متفاوت و در موقعیت‌های جغرافیایی مختلف تعابیر و تفاسیر متعدد و گاه متناقضی از نوع رابطه بین این دو مقوله اساسی در عرصه حیات بشری ارائه شده است.

تضاد و جدایی که بعد از رنسانس و انقلاب‌های صنعتی در اروپا بین دین و سیاست پدید آمد و تحلیل‌گران و فلاسفه علت اصلی آن را در تضاد تفکر کلیسای مسیحیت با عقلانیت حاکم بر دوران جدید ارزیابی کردند و یا نوع تفسیری که مبتنی بر همانندی دین و سیاست است که در چهارچوب فکری انقلاب اسلامی در ایران پدید آمد و می‌توان علت اصلی آنرا نیز در محوریت و رهبریت مذهبی جنبش انقلابی ایران جستجو کرد. پس ملاحظه می‌گردد که بستر جریانهای تاریخی همیشه محل عرضه و تفوق نوع خاصی از اندیشه‌های مرتبط با این مقوله بوده است.

قبل از هر بحثی به ارائه تعریفی از این دو محور می‌پردازیم.

سیاست: مجموعه تفکرات، تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهایی است که در راستای 'تأمین منافع' و به ازای یک 'برهه زمانی خاص' از سوی مجموعه حاکمیت در یک محدوده جغرافیایی معین اتخاذ می‌شود. در تعریف دین نیز می‌توانیم اشاره نماییم که: دین مجموعه آموزه‌ها، الگوها و دستورالعمل‌هایی است که از سوی خداوند و تحت قالب کتاب‌های دینی و از طریق انبیا الهی در طول تاریخ، به بشریت ابلاغ گردیده است.

همان‌گونه که عنوان شد دو شاخصه مهم علم سیاست 'تأمین منافع' و 'نسبی بودن' آن است. همان‌گونه که در رد پای تمامی جریانهای تاریخی مشاهده می‌کنیم خط منشی تمامی سیاست‌گذاریها و تصمیم‌گیریهای مجموعه حاکمیت در هر زمانی تحت الشعاع اصل تأمین منافع و ارضای نیازهای موجود بوده است و مسلماً این اصل



که همواره مورد توجه و نیاز انسان بوده مسأله دین و اعتقادات مذهبی او بوده است که در اشکال مختلف خود اعم از ادیان بزرگ الهی و یا فرقه‌های متعدد قومی که در جای جای جغرافیای زندگی انسان پدید آمده، تجلی یافته است. با وجود همه گسترده‌گی و تفاوت‌های موجود در انواع فرقه‌های مذهبی به وجود آمده در جوامع مختلف، مفهوم و محور مشترکی را که در همه این تکررات دینی می‌توانیم مشاهده کنیم و زیر بنای جوهره همه ادیان **خطأ تصحیح** بزرگ الهی را تشکیل می‌دهد، مسأله "اخلاق" می‌باشد که تقریباً تمامی فلاسفه دین و اندیشمندان حوزه مذهب به آن باور دارند و معتقدند که هدف و شالوده اصلی دین اصلاح و ترویج مبانی اخلاقی می‌باشد که لازمه آرامش و تکامل انسانی است. (البته باید این نکته را نیز یاد آور شویم که علی‌رغم اینکه اشاره شد جوهره و ذات اصلی ادیان عنصر اخلاق است اما نباید دین را صرفاً معادل اخلاق و یا اخلاق را صرفاً زاینده ادیان به حساب آوریم و چون این مجال اجازه نمی‌دهد از تفصیل بیشتر جایگاه اخلاق در گستره دین صرف‌نظر می‌کنیم.) بنابراین و با توجه به این مسأله و با عنایت به تعاریف و برداشت‌های مختلفی که از واژه اخلاق در نحله‌های فکری گوناگون ارائه شده است برای بررسی کنش‌های این حوزه بزرگ از مذهب باید دو محور و منظر از اخلاق را مورد بررسی قرار دهیم تا در تقابل آن با سیاست نتایج روشن‌تری را به دست آوریم.

همان‌گونه که در مبحث سیاست نیز بدان اشاره شد و در این بحث نیز بدان پرداخته می‌شود نوع رابطه اخلاق و به تبع آن مذهب با گذر زمان و تحولات ناشی از آن است. پاسخ به این پرسش که آیا مفاهیم اخلاقی "باید" تحت تأثیر تغییرات و تحولات منافع و خواست‌های انسانی قرار گرفته و دچار دگرگونی گردند. ما را در راه رسیدن به هدف خود یاری خواهد کرد. در این بین اصلی‌را که می‌توان به یقین به آن باور داشت و آن را به عنوان یک پارادایم غالب در حوزه علوم انسانی بر آورد کرد، تبعیت محض نوع سیاست‌گذارها در کلیه جوامع از نتایج پاسخ به این پرسش بنیادی است. حتی در جوامعی که دارای ساختارهای سکولاریستی هستند بی‌قابلیت به جدایی بین دین از سیاست، باز چون مباحث اخلاقی جزء مهم‌ترین مباحث در ساختارهای حکومتی آنان محسوب می‌شود (به عنوان نمونه می‌توان ساختار قدرت در کشور آمریکا را مثال زد که علی‌رغم تفوق اندیشه‌های لائیک در آن، همیشه مسائل اخلاقی جزء چالش برانگیزترین مباحث در کنش‌های سیاسی آن محسوب می‌شود). پس لاجرم این رابطه و اندرکنش دین و مذهب به شکل جدی مطرح می‌شود. بنابراین می‌توان از این مبحث به عنوان مسأله‌ای جهان‌شمول نام برد که جهان سیاست و مذهب را به طور آشکار در تعامل با هم قرار می‌دهد و بالطبع اتخاذ سیستمی مناسب از مجموعه تعاملات مابین آنها در جهان آشفته امروز امری مهم و اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود.

اکنون و با توجه به توضیحات ارائه شده در باب دین و سیاست، به تبیین مفاهیم دین سیاسی و سیاست دینی که موضوع اصلی این مقاله است می‌پردازیم.

منظور از سیاست دینی رویکرد و اتخاذ چهارچوبی برای حوزه سیاست‌گذاری‌ها می‌باشد که در آن عقاید مذهبی و در رأس آن اعتقادات اخلاقی محور و زیربنای آن سیاست‌گذاری‌ها قرار می‌گیرد و در نتیجه تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ خط‌مشی‌های اجرایی تحت تأثیر و تابعی از آموزه‌های دینی می‌باشد.

در اینجا و با توجه به تعریفی که از مفهوم سیاست دینی ارائه گردید لازم است که به چند محور مهم در این رابطه اشاره نماییم تا درباره این مفهوم به بینش و شناخت دقیق‌تری دست یابیم.

۱) در جوامع مدرن و عموماً صنعتی معاصر به خصوص در کشورهای با ساختار حکومتی مبتنی بر لیبرالیسم سرمایه‌داری که تنها ابزار جریان‌ساز و تصمیم‌گیر در آن "عقلانیت محض" محسوب می‌شود و عنصر دین از آن طرد شده است (علی‌رغم اینکه فشارهایی از سوی مراکز مذهبی بر مجموعه حاکمیت وارد می‌شود و آن را ملزم به رعایت حدود اخلاقی می‌نماید و نیز با عنایت به مطالبی که در بخش‌های قبلی در این باره بیان شد) می‌توان چنین استنباط کرد که برای این سبک ساختار سیاسی، در چنین جوامعی نمی‌توان مابه‌ازای بیرونی و تبلور دینی جستجو کرد.

۲) در شکل‌های حکومتی نوین که ملزومات حکومت‌های دمکرات در آن رعایت شده است مجموعه حاکمیت بر اساس برنامه‌ها، وعده‌ها و چهارچوب‌های مشخص ارائه شده به مردم بر مسند قدرت حاکم می‌شوند و به دنبال آن باید پاسخگویی مطالبات مجموعه تحت حاکمیت خود باشند که لزوم این پاسخگویی به خواست‌های آنان شرایط و موقعیت‌هایی را ایجاد می‌کند که اولویت اول در آن شرایط تأمین مصالح و منافع مردم لقب می‌گیرد که تحقق این مسأله میزان محبوبیت و به تبع آن دوام حکومتی مجموعه حاکمیت را در پی دارد. بنابراین بر اساس منطبق علم سیاست هدف اصلی مجموعه حاکمیت رضایت مردم و تأمین رفاه و خواست‌های آنان قرار می‌گیرد حتی اگر این منافع در تضاد با مفاهیم اخلاقی و دینی حتی در کشورهایی با ذهنیت و فرهنگ‌های مذهبی باشد که این مسأله خود چالش‌های بزرگ‌تری را در تعاملات بین این دو مقوله نمایان می‌سازد.

۳) یکی از ویژگیها و اصولی که همیشه در ارائه نظریه‌ها و تئوری‌های جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ مطرح بوده ارائه نمونه و مابیه‌از‌ای عملی آن‌تر در مقام عمل و اجرا بوده است که تنها در آن صورت تئوری مورد نظر می‌تواند به‌ونه آزمایش و تجزیه و تحلیل گذاشته شده، نقاب‌س و مزیت‌های آن مورد ارزیابی قرار گیرد و نتوان در کل در مورد آن به رویکردی مثبت و یا منفی دست یافت. با این وجود و در مقام بررسی نظریه سیاست دینی و با مراجعه به تاریخ در خواهیم یافت که هیچ‌گاه نمونه عملی این اندیشه سیاسی به‌طور کامل محقق نگردیده است. حتی اگر حکومت‌املم علی (ع) را که یکی از پیچیده‌ترین، برحادثه‌ترین و در عین حال دمکرات‌ترین نوع حکومت‌ها در طول تاریخ اسلامی بوده است که در آن مفاهیم اخلاقی، انسانی و اسلامی در عالی‌ترین شکل خود در کالبد امور سیاسی تجلی یافته بود را به عنوان بارزترین شکل عملی نظریه سیاست دینی بپذیریم باز مشاهده خواهیم کرد که این حکومت علی‌رغم شایستگی‌ها و حقیقت‌مداری ارکان آن دوام چندانی نداشت و در تحلیلی جامع و منصفانه از آن حکومت در خواهیم یافت که آن شکل حکمرانی عملاً به شکست انجامیده بود.

۴) نکته مهم دیگری که در اینجا باید مورد بررسی قرار داد رابطه این مفهوم با فلسفه آخرالزمان است. همان‌گونه که در تمامی ادیان و مکاتب فکری می‌توان مشاهده کرد اعتقاد به مصلحتی آخرالزمانی که بنیانگذاران او پویی آرمانی و ایده‌آل ذهن انسانی است جزئی از چهارچوب فکری همه نحله‌های فکری را شامل می‌شود. اما با وجود تمامی تفاوت‌های اعتقادی در مورد

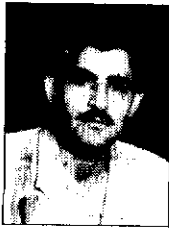
فلسفه ظهور منجی آخر الزمان، مسأله‌ای را که در باب فلسفه آخر الزمان و پیدایش مدینه فاضله انسانی مطرح می‌شود، شکل حکومتی آن دوره عالی حیات بشری است که همیشه ذهن جستجوگر انسان آرمان‌گرا را به خود مشغول کرده است و در این میان نظریه‌ای را که با عقل چاره‌اندیش انسان آغاز هزاره سوم می‌توان در ارتباط با دوره آخر الزمان مطرح کرد مفهوم سیاست دینی می‌باشد که چه از دیدگاه روشنفکری دینی شرقی و چه از منظر پست مدرنیسم غربی نظریه‌ای عقلانی و منطقی به حساب می‌آید که حاصل آن جهانی خواهد بود، هم‌راه با سیاست‌هایی بر مبنای محور اخلاق و انسانیت که به همراه خود آسایش، امنیت، رفاه و زیبایی را در جهانی عاری از خشونت، فقر و جهل به تماشا خواهد گذاشت.

در پایان این بخش و برای تکمیل این بحث لازم است که اشاره‌ای به تئوری پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما نظریه پرداز بزرگ سیاسی معاصر داشته باشیم که در آن وی تمدن لیبرال دمکرات غربی را شیوه نهایی حکومتی تاریخ معرفی کرد و نهایت آمال و ایده آل‌های انسانی را به ظهور رساند و به صرف فروپاشی نظام سوسیالیستی شوروی و تجزیه آن نظریه اتمام فلسفه‌ها و مکاتب بشری و اکملیت آن توسط نظام لیبرال سرمایه داری غرب به سراسر جهان تعمیم بخشید. اما اکنون و در آغازین سالهای قرن بیست و یکم اگر در محضر قضاوت وجدان‌های بیدار بشریت قرار گیریم مسلماً پژواک گوش خراش ناگامی‌ها و شکست‌های این تمدن غول‌آسای جهان مدرن معاصر توهم زیستن در پایان تاریخ را از ما خواهد گرفت و همچنان بشریت را در انتظار تولد جهانی دیگرگون خواهد گذاشت.

اکنون و پس از تحلیلی جامع که از مفهوم سیاست دینی ارائه شد به

بررسی مفهوم دین سیاسی می‌پردازیم که بی‌شک یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مفاهیم در حوزه عمل سیاسی خصوصاً در کشورهای با رویکرد مذهبی می‌باشد. برای تحلیل عمیق‌تر این مفهوم یک بار دیگر باید هدف و کارکرد مذهب و سیاست را از نظر بگذرانیم. همان‌گونه که از سخنان انبیا و فلاسفه دین می‌توان استنباط کرد وظیفه اساسی مذاهب یادآوری انسان نسبت به حقیقت وجودی خویش است که او را به مقامی فرادنیوی و مقدس متعلق می‌داند و در این میان آموزه‌های دینی راهی است برای حرکت انسان از آنچه هست به آنچه باید باشد. پس دین الگویی همه جانبه است برای رهسپاری انسان به مقصد اصلی خلقت و نهایت هدف آفرینش و اما سیاست همان‌گونه که به تفصیل بررسی شد راهکارهایی است برای ایجاد هر چه بیشتر رفاه، سود و لذت برای این دنیای انسان زمینی. پس با این وجود سوآلی که دوباره مطرح می‌شود چگونگی تداخل و تلافی این دو مفهوم نسبتاً متناقض است که در قالب‌های سیاست دینی و دین سیاسی بروز می‌کند. در جواب این سؤال باید بیان کرد که راه رفع این پارادوکس در این مفاهیم، همان‌گونه که در بحث مفهوم سیاست دینی مطرح شد، غلبه و سیطره با مفهوم و رویکرد مذهب بود که به تبع آن سیاست نیز تابعی از معادلات و اصول مذهبی در آمده بود. اما در ساختار دین سیاسی این رویکرد دقیقاً بالعکس شکل می‌گیرد و این بار برتری و تسلط با سیاست به مفهوم مرسوم آن که بیان شد، می‌باشد که در نتیجه آن، دین و اصول و ارزش‌های مذهبی را دچار استحاله می‌کند و جریان مذهب را از مسیر واقعی خود خارج کرده و در مسیری که هدف آن تأیید و مشروعیت بخشیدن به اعمال سیاسی است قرار می‌دهد.

مردم سالاری؛ شورش کاغذی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سراب یا واقعیت؟



جلال رحمانی - پیرانشهر

مردم سالاری به عنوان ضرورت و از مطالبات مهم و جدی در بین مردم، نخبگان را بر آن داشته که از توجه عمیقی نسبت به چگونگی روند پیشرفت ساز و کارهای آن و نهادینه شدن حاکمیت در عرصه تعاملات سیاسی برخوردار گردند.

اما بدیهی است که تحقق مردم سالاری در جامعه توسعه نیافته‌ای چون ایران یک شبه، عملی نخواهد شد و قطعاً نیاز به مراحل گوناگونی از جمله بالا بردن پتانسیل‌های جامعه، وجود نیرویی قدرتمند با توانایی در جلب اعتماد مردم، تنوع صداهای مختلف سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون جهت ممانعت از یک حکومت استبدادی، آرایه تعریفی روشن و دقیق از مردم سالاری و رفع ابهامات از آن، رفع نارسایی‌های قانون اساسی از جمله نظارت استصوابی توسط شورای نگهبان دارد. شکل‌گیری و تقویت مردم سالاری محتاج مردم و گروه‌های مختلف است که بتوانند در مورد مهم‌ترین مسایل پیرامون تصمیم‌گیری کنند و اطمینان داشته باشند که مورد تعرض هیات حاکمه قرار نخواهند گرفت. به صورتی که مردم از امکان تأسیس انجمن‌های مستقل از دولت، مطبوعات آزاد، انتخابات آزاد، رادیو و تلویزیون مستقل... برخوردار گردند.